

سخن ثبوتی به مناسبت تشریف‌فرمائی رئیس‌جمهور روحانی به زنجان

۱۳۹۳/۷/۳۰

جناب آقای رئیس‌جمهور

ادبو اولادکم لغیر زمانکم لانهم خلقو لزمان بغیر زمانکم

فردای فرزندان‌تان با امروز شما یکی نیست. آن‌ها را برای زیستن در فردای خودشان تربیت کنید.

آیا به این توصیه مولای متقیان که ادعای شیعه بودنش را داریم، عمل می‌کنیم و از عهده برمی‌آئیم؟ آیا به قدر آنچه در توان‌مان است راه شکفتن و بالیدن را برای جوانان‌مان می‌گشائیم؟ یا این که خودمان را معیار و مقیاس دانسته‌ایم و نگرانیم که اگر فرزندان‌مان مثل ما از آب درنیایند، راه گم خواهند کرد. چرا می‌ترسیم اگر فرزندان‌مان مثل ما نباشند و مثل ما نگویند و نیندیشند آسمان به زمین خواهد آمد. مگر ما مثل پدرانمان عمل می‌کنیم و گفتار و رفتار و کردارمان مانند گفتار و رفتار و کردار پدران‌مان است.

امیدوارم خاطر‌عالی را با این کلمات نیاززده باشم. می‌خواهم باستحضار به‌رسانم که محیط‌های آموزشی ما، اعم از دانش‌آموزی و دانش‌جوئی، با نشاط نیست. موازین‌گزینشی، نظارتی و حراستی معمول، محیط کار را برای جوان ملال‌آور می‌کند. عرصه را برای اندیشه و عمل تنگ می‌کند، اگر پرخاش‌گری را افزایش ندهد، بی‌عملی را سبب می‌شود. دانشجو را به سیاست‌نه‌کشانیم و استفاده‌ابزاری از او نکنیم. دانشجو آرمان‌گراست، و چون با واقعیت‌ها آشنائی کمتری دارد آسیب می‌بیند.

حیف است ۲۰، ۲۵ سال برای آموزش جوانان‌مان زحمت به‌کشیم و هزینه کنیم، و آخر سر دودستی تقدیم بیگانه کنیم. منظورم فرار مغزهاست. واقعیت این است جامعه برای جذب و به کارگماری فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها و پژوهش‌گاه‌های‌مان ناتوان است. فارغ‌التحصیلان ما مشتری‌های بدون مرزی دارند و آن‌ها را می‌برند و لابد قابل هستند که می‌برند. وقتی هم که رفتند دیگر پشت سرشان را نگاه نمی‌کنند. باید در جایی از مدیریت‌های خرد و کلان کشور، در بینش و کنش‌های اجتماعی‌مان، در رفتار و کردار سنتی و غیرسنتی‌مان عیب نسبتاً بزرگی داشته باشیم که تا بحال نه‌توانسته‌ایم و یا نه‌خواست‌ه‌ایم به این هرزروی منابع انسانی‌مان توجه کنیم. آیا موضوع به قدرکافی مهم است که در دستور کار دولت تدبیر و امید قرار گیرد و چاره‌ای اندیشیده شود.

جناب آقای رئیس جمهور هر با انصافی می‌پذیرد که مسائل مربوط به اقتصاد داخلی و تعامل با دولت‌ها و موافق‌گوها و مخالف‌گوهای داخلی و خارجی باید در این مقطع تاریخی از حیات کشور اولویت اول دولت جنابعالی باشد و طبعاً وقت و انرژی می‌برد. ولی موضوع دانشگاه‌ها و آموزش عالی و پژوهش نیز کم اهمیت نیستند. در چند سال گذشته بسیاری از تصمیم‌گیری‌های مربوط به گزینش و پذیرش دانشجو، استخدام و ارتقاء استاد و کارمند که قاعدتاً باید در حوزه اختیارات دانشگاه‌ها و وزارت علوم باشد به خارج از این نهادها سوق داده شده است. و به دست افرادی انجام می‌گیرد که کمترین تماس با دانشگاه و آموزش و پژوهش دارند. چنین سیاستی معمول دنیای امروز نیست. علی‌الاصول این که دانشگاه‌ها همه باید از یک مرکز تصمیم‌گیری اداره شوند، یکسان باشند، یکسان عمل کنند، یک هدف داشته باشند و محصول مشابه به بیرون بدهند، هیچ کشوری را به پیش‌رفت و تعالی نرسانده است.

جناب آقای رئیس جمهور به شهر و استان ما خوش آمده‌اید. در این شهر تقریباً نیم میلیون نفری، قریب به ۶۰ هزار دانشجو در ده دانشگاه و مرکز آموزش عالی دانش‌اندوزی می‌کنند. یعنی از هر ۸ نفری که در کوی برزن این شهر می‌بینید یک نفر دانشجوست. دیگر شهرهای استان نیز به تناسب، همین روال را دارند. بدنه تحصیلات تکمیلی این شهر یکی از بهترین‌ها و گسترده‌ترین‌ها در کشور است و یکی از مزیت‌های نسبی شهر و استان ماست. کوتاه سخن این شهر و استان، شهر و استان طلبه و دانشجو است و تا بوده چنین بوده است. بچه‌های ریز و درشتی که در کوچه پس‌کوچه‌های شهرها و روستاهای مان می‌بینید از تخمه ابن سیناها، ابوریحان‌ها، شیخ اشراق‌ها، اثیرالدین ابهری‌ها، شهریارها هستند. هنر جستن و پروراندن آنهاست. کمک‌مان کنید از عهده این مهم برآئیم. ما هم از سعی و کوشش کم‌نه‌خواهیم گذاشت.

والسلام و علیکم و رحمه‌الله.

یوسف ثبوتی